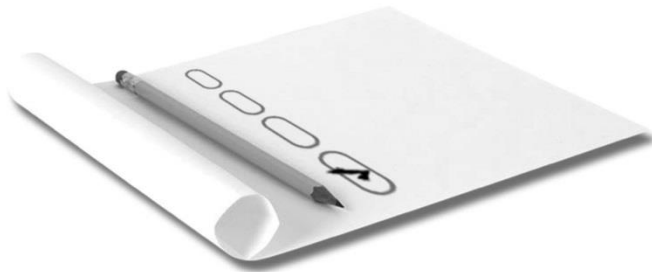


XX

بخش اول

مجموعه آزمون‌های متون فقه





متون فقه آزمون سال ۱۳۸۳

- ۱- «ما هو حکم السرقة من المواضع المتنابه كالرحی؟»:
- ۱- تنها اثم است و مجازات ندارد.
 - ۲- مورد از موارد شبه داره الحد است.
 - ۳- به جهت عدم صدق سرقت حدی، حکمی ندارد.
 - ۴- به جهت آن که سرقت از غیر حرز است، حد قطع را ندارد.
- ۲- «فی التام الخلقه قبل ولوج الروح فیه مائه دینار...»
- ۱- اذا كان الجنین ذكراً
 - ۲- لا یضمنه اذا لم یفرط
 - ۳- ذكراً كان الجنین أو أثنی
 - ۴- اذا كان الجنین أثنی
- ۳- «یضمن معلم السباحه المتعلم الصغیر غیر البالغ لو جنی علیه بها قطعاً فی ماله و ان لم یفرط اذا لم یدفعه الیه ولیه. بخلاف البالغ الرشید فإنه...».
- ۱- لا یضمنه و ان فرط
 - ۲- لا یضمنه اذا لم یفرط
 - ۳- لا یضمنه اذا لم یدفعه الیه ولیه
 - ۴- لا یضمنه اذا كان قد دفعه الیه ولیه
- ۴- لزوم تاخر بیان در عبارت زیر تثبیت کننده کدام دلیل است:
- «یثبت الزنا بالاقرار اربع مرات من دون اشتراط تعدد مجالس الاقرار بحسب تعدده للاصل و قول الصادق (ع) فی خبر جمیل: «و لا یرجم الزانی حتی یقرّ اربع مرات» من غیر شرط التعدد، فلو شرط لزوم تأخر البیان.»
- ۱- اصله البرائه
 - ۲- اصله الاطلاق
 - ۳- حجیه خبر الواحد
 - ۴- اصله عدم الاشتراط
- ۵- از روایت زیر، چه حکمی قابل استفاده است؟
- «قال امیرالمومنین (ع): من تطبب او تبیطر فلیأخذ البراءه من ولیه و الا فهو ضامن.»
- ۱- عدم ضمان الطیب اذا أبرأه المعالج من الجنایه
 - ۲- عدم ضمان الطیب اذا أبرأه ولی الدم من الجنایه قبل وقوعها
 - ۳- عدم ضمان الطیب اذا كان مأذوناً من جانب المریض فی مقام معالجتہ
 - ۴- عدم ضمان الطیب اذا كان مأذوناً من جانب ولی الدم فی مقام معالجتہ
- ۶- «من وجد قتیلاً فی جامع عظیم او شارع یطرقة غیر منحصر أو فی فلاه أو فی زحام علی قنطره أو جسر أو بئر أو مصنع غیر مختص بمنحصر...»
- ۱- فدیته علی عاقلته
 - ۲- فدیته علی بیت المال
 - ۳- قدمه هدر لا تتعلق به دیه
 - ۴- فدیته علی جمیع المسلمین حسبہ



۷- «ان إعتاد المسلم قتل أهل الذمه أقتص منه أو يقتل حداً؛ و تظهر الفائدة في...»

- ۱- عدم لزوم رد فاضل دینته ان كان قصاصاً.
- ۲- لزوم مطالبه جميع الاولياء ان كان حداً
- ۳- سقوط القود بعفو الولی بناء على أنه من باب الحد
- ۴- توقف قتله على مطالبه الولی بناء على انه من باب القصاص
- ۸- از عبارت زیر کدام حکم قابل استفاده است؟
«و لا یحد من اضطره العطش فأقدم على شرب المسکر، أو اضطر الى اساعه اللقمه بالخمير بحيث خاف التلف بدونه.»

- ۱- در جایی که بیم تلف وجود دارد نوشیدن مسکر حد ندارد.
- ۲- نوشیدن مسکر برخلاف خمر برای رفع عطش حد ندارد.
- ۳- نوشیدن خمر برخلاف مسکر به همراه لقمه غذا حد ندارد.
- ۴- نوشیدن خمر یا مسکر برای فرو دادن لقمه غذا حد ندارد.
- ۹- در عبارت زیر، مراد از فراز «یجمع بینهما» کدام است؟
«و لو ظهر من الوصی عجز ضم الحاکم الیه معیناً؛ لانه بعجزه خرج عن الاستقلال المانع من ولایه الحاکم و بقدرته على المباشرة فی الجملة لم یخرج عن الوصایه بحيث یستقل الحاکم فیجمع بینهما بالضم»

- ۱- جمع بین وصی عاجز با معین ضمیمه شده.
- ۲- جمع بین وصی غیر عاجز با معین ضمیمه شده.
- ۳- جمع میان عدم استقلال کامل وصی عاجز و وجود استقلال ناقص او
- ۴- جمع بین وصی غیر عاجز و وصی عاجز با معین ضمیمه شده.
- ۱۰- تقسم ترکه المرتد عن فطره و هو الذی انعقد و...

- ۱- أبوه مسلم
- ۲- أبواه کافرین
- ۳- أحد أبویه مسلم
- ۴- أبوه أوجده مسلم
- ۱۱- الأولی من مراتب الارث عبارته عن...

- ۱- الاباء و الأولاد
- ۲- الأباء و ان علا و الأولاد.
- ۳- الأباء و آبائهم و الأولاد
- ۴- الأب و جد الأب و الأولاد.

۱۲- «و لو لم یعلم بالوصیه الا بعد وفاه الموصی لزمه القيام بها و ان لم یکن قد سبق قبول الامع العجز عن القيام بها فیسقط وجوب القيام عن المعجوز عنه قطعاً...»

- ۱- لأستلزامه الحرج
- ۲- لعدم لحوق القبول بالوصیه
- ۳- لو جوب الاعانه على التقوی
- ۴- لعدم أهلیه العاجز التصرف

۱۳- از آیه، چه حکمی استفاده شده است؟ (و آیتیم احدیهن قنطاراً)

- ۱- تعیین دفع مهر المثل
- ۲- لا تقدیر فی المهر کثره
- ۳- کراهه تجاوز المهر عن مهر السنه
- ۴- وجوب القدره على تسلیم المهر



- ۱۴- «لو ادعت المراه المواقعه و أنكرها الزوج قيل: يقدم قولها مع الخلوه التامه...»
 ۱- عملاً بالظاهر
 ۲- لأصالة عدم المواقعه
 ۳- لتقدم الاصل على الظاهر
 ۴- لتساقت الاصل و الظاهر

۱۵- در عبارت زیر «اصل» به چه معناست؟

«ولا توراث بينهما المتعه الا مع شرطه في العقد فيثبت على حسب ما يشترطانه أما انتفاوه بدون الشرط فلا أصل....»

- ۱- الصحه
 ۲- عدم التوراث
 ۳- استصحاب التوراث
 ۴- عدم توقيفيه الارث

۱۶- «أفضل الطلاق...»

- ۱- طلاق المباره
 ۲- طلاق الخلع
 ۳- طلاق العدى
 ۴- طلاق السنه بالمعنى الأخص

۱۷- عقد نکاح در کدام فرض می تواند صحیح باشد؟

- ۱- لو جمع بين خمس في عقد واحد
 ۲- لو جمع بين الاختين في عقد واحد
 ۳- لو تزوج الام و ابنتها في عقد واحد
 ۴- لو جمع بين العمه أو الخاله و بين أبنه اخيها أو اختها برضاء العمه و الحاله

۱۸- با توجه به عبارت «بيع ما يفسد باختباره كالبطيخ و الجوز و البيض جايز فان ظهر فاسداً بعد كسره رجع بأرشه و ليس له الرد للتصرف ان كان له قيمه» بگوئيد: بيع يك كيلوگرم تخم مرغ كه بعد از بيع و شكستن آنها معلوم می شود تمامی فاسد بوده اند چه حكمی دارد؟

- ۱- البيع صحيح و رجع المشتري بأرشه
 ۲- البيع غير نافذ فاذا أجاز المشتري صح البيع
 ۳- البيع باطل و رجع المشتري بالثمن اجمع
 ۴- البيع باطل و لم يكن للمشتري رجوع الى الثمن لانه أ تلف المبيع

۱۹- کدام قاعده فقهی می تواند مبنای حکم زیر محسوب شود؟

- «لو شرط في الوكاله عوضاً مجهولاً، فقال: بع كذا على أن لك العشر من ثمنه، تفسد الوكاله.»
 ۱- المومنون عند شروطهم
 ۲- الشرط الفاسد ليس بمفسد للعقد
 ۳- الشرط الفاسد مفسد للعقد
 ۴- بطلان كل عقد بتعذر الوفاء بمضمونه

۲۰- «لو فسخ أحد المتعاملين و أجاز الآخر و الخيار مشترك، قدم الفاسخ...»

- ۱- مطلقاً
 ۲- ان تقدم على الاجازه
 ۳- ان تاخر عن الإجازة
 ۴- ان رجع المجيز عن اجازته



۲۱- از عبارات زیر کدام حکم، قابل استفاده است؟

- ۱- متعاقدین می‌توانند اجنبی را از اعمال خیار منع کنند.
- ۲- اجنبی در اعمال خیار شرط باید از متعاقدین استجازه نماید.
- ۳- با وجود اختیار اجنبی در فسخ عقد، متعاقدین اختیاری ندارند.
- ۴- تحقق خیار برای اجنبی به قبول شرط از سوی وی منوط است.

۲۲- حکم بیع زیر کدام است؟ «بیع نفس التز و ان كان الدود فیه»

- ۱- البیع باطل ان كان الدود حياً لانه عرضه للفساد
- ۲- البیع صحیح ان كان الدود حياً و باطل ان كان الدود میتاً
- ۳- البیع باطل ان كان الدود میتاً لانه دخل فی عموم النهی عن بیع المیتة
- ۴- البیع صحیح لأن الدود لم یقصد بالبیع حتی تمنع میتة و عرضه الفساد لا یقتضی المنع

۲۳- و اعلم ان البیع بالنسبه الى تعجیل الثمن و الثمن و تاخیر هما و التفریق، اربعة أقسام: فالاول النقد و الثانی النسیئه، و الثالث السلم و الرابع...

- ۱- الثمار
- ۲- السلف
- ۳- الصرف
- ۴- الكالی بالكالی

۲۴- در فرض زیر، دو درهم باقی مانده به چه نحو میان امانت گذاران تقسیم می‌شود؟

«لو أودعه رجل در همین، و آخر درهما و امتزجا لا بتفریط، و تلف احدهما»

- ۱- به هر کدام یک درهم داده می‌شود.
- ۲- به صاحب دو درهم یک درهم و نیم داده می‌شود و به صاحب یک درهم نصف درهم.
- ۳- واجب است در تقسیم به نحوی صلح کنند چنانچه صلح نکردند حاکم آنان را مجبور به صلح می‌کند.
- ۴- یک درهم به صاحب دو درهم داده می‌شود و نسبت به درهم دیگر قرعه افکنده می‌شود.

۲۵- حکم بیع را در فرض زیر بیان نمایید:

«لو جعل لحال ثمناً و لِمَوْجَلٍ أزيد منه، أو فاوت بين أجلين في الثمن بأن قال: بعتك حالاً بمائه، و موجلاً الى شهرين بمأتين، او موجلاً إلى شهر بمائه و الى شهرين بمأتين.»

- ۱- بیع درست است.
- ۲- این بیع باطل است.
- ۳- فرض اول درست است و فرض دوم باطل
- ۴- درست است به قیمت کمتر و لو در مدت دورتر

۲۶- قبض (تسلیم و تسلیم مبیع) از احکام بیع است یا شرط صحت آن؟

- ۱- هم وجوب تکلیفی دارد و هم شرط صحت معامله است.
- ۲- در همه موارد حکم وضعی است یعنی شرط صحت بیع است نه واجب تکلیفی.
- ۳- در همه موارد، حکم تکلیفی بیع است یعنی همه جا به قبض مشتری درآمدن مبیع واجب تکلیفی است.
- ۴- از احکام تکلیفی بیع است مگر در برخی از موارد که شرط صحت آن است مانند بیع صرف و سلم.



۲۷- فرض زیر چه حکمی دارد؟

«لو التمس أحد الشريكين شريكه ألقسمه: أي قسمه مال المشترك بينهما.»

- ۱- چنانچه موجب ضرری نباشد دیگری باید تقسیم را بپذیرد.
- ۲- دیگری مطلقاً می‌تواند از تقسیم سرباز زند و آن را نپذیرد.
- ۳- دیگری چنانچه از این تقسیم متضرر نمی‌شود و تقسیم موجب پرداخت مالی نمی‌گردد باید آن را بپذیرد.
- ۴- دیگری چنانچه متضرر نمی‌شود اعم از آن که موجب رد مالی باشد یا نباشد باید تقسیم را بپذیرد.

۲۸- «هل يجوز بيع جزء من الحيوان اذا كان حياً و لا يراد ذبحه.»

- ۱- اجزاء حیوان را به استقلال نمی‌توان فروخت.
- ۲- اجزاء حیوان را مطلقاً نمی‌توان فروخت، در هر حال مشتری با بائع شریک خواهد شد.
- ۳- جزء مفروز آن را می‌توان فروخت، اما جزء مشاع را نمی‌توان لیکن در صورت اول مشتری با بائع به نسبت قیمت شریک می‌شود.
- ۴- جزء مشاع آن را مانند نصف، ثلث و غیره می‌توان فروخت، اما جز مفروز آن مانند سر، گردن و غیره را نمی‌توان.

۲۹- لوث که با وجود آن قسامه می‌تواند قتل را اثبات کند چیست؟

- ۱- سوءظن قاضی است به قاتل بودن کسی.
- ۲- سوءظن اولیا دم است به قاتل بودن شخص خاصی.
- ۳- سوءظن اولیاءدم و قاضی است به قاتل بودن شخصی.
- ۴- آماره‌ای است که موجب ظن به صدق مدعی قتل می‌گردد.

۳۰- «رجم» که حد یکی از انواع زنا است حد کدام نوع از زنا است؟

- ۱- حد زنا کسی که دارای همسر دائمی است و با او همبستر شده و هر وقت بخواهد به او دسترسی دارد.
- ۲- حد زنا مردی است که دارای شرایط مزبور است.
- ۳- حد زنا با محارم است در صورت وجود شرایط مزبور.
- ۴- حد زنا با کسی است که دارای شرایط مزبور است.



متون فقه پاسخنامه آزمون سال ۱۳۸۳

۱- گزینه ۴ صحیح است. مباحث حقوقی شرح لمعه، ص ۵۰۹ کتاب الحدود
ترجمه عبارت: حکم سرقت از مواضعی که تردد در آن زیاد است مانند اطاق آسیاب چیست؟ لا قطع علی من سرق من غیر
حرز کالصحرء والرحا.

۲- گزینه ۳ صحیح است. مباحث حقوقی شرح لمعه، ص ۵۹۲ کتاب الدیات
ترجمه عبارت: اگر خلقت جنین کامل شده باشد ولی هنوز دارای روح نباشد دیه‌اش یک‌صد دینار است خواه جنین پسر
باشد خواه دختر.

۳- گزینه ۱ صحیح است. مباحث حقوقی شرح لمعه، ص ۵۶۶ و ۵۶۷ کتاب الدیات
ترجمه عبارت: مربی شنا از مال خودش ضامن جنایت وارده بر شاگرد غیر بالغ است. اگر چه کوتاهی نکرده باشد. البته این
حکم زمانی جاری است که ولی صغیر، او را تحویل مربی نداده باشد. بر خلاف شخص بالغ رشید، چرا که مربی شنا، ضامن
شخص بالغ نیست اگر چه تفریط کرده باشد. زیرا اختیار بالغ به دست خودش می‌باشد.

۴- گزینه ۴ صحیح است. مباحث حقوقی شرح لمعه، ص ۴۷۸ کتاب الحدود
زنا با چهار بار اقرار ثابت می‌شود و تعدد مجالس اقرار بر حسب تعداد اقرار شرط نیست چرا که اصل عدم اشتراط تعدد مجالس
اقرار است هم‌چنین از امام صادق در روایت جمیل هم وارد شده که فرمودند: «زانی تا چهار بار اقرار به زنا نکرده باشد سنگسار
نمی‌شود.» که در این روایت تعدد مجالس اقرار را شرط نکرده است چه این که در صورت شرط کردن تأخیر بیان از وقت
حاجت لازم می‌آمد.

۵- گزینه ۱ صحیح است. مباحث حقوقی شرح لمعه، ص ۵۶۰ کتاب الدیات
ترجمه روایت: «هرگاه طبیب یا دام‌پزشک به معالجه اقدام نماید باید از ولی بیمار برائت حاصل نماید.» در این صورت وقتی
معالجه شونده طبیب را از جنایت ابراء کند طبیب ضامن نیست.

۶- گزینه ۲ صحیح است. مباحث حقوقی شرح لمعه، ص ۵۴۹ کتاب القصاص
ترجمه عبارت: کسی که در اجتماع بزرگی یا در خیابان (که افراد خاصی در آن رفت و آمد نمی‌کنند) یا در بیابان یا در
ازدحام مردم بر روی پل‌های کوچک یا در حوضچه‌ای که انحصاری نیست کشته یافت شود، دیه‌اش بر عهده بیت‌المال است.

۷- گزینه ۴ صحیح است. مباحث حقوقی شرح لمعه، ص ۵۴۳ و ۵۴۴ کتاب القصاص
ترجمه عبارت: اگر مسلمان به کشتن کافر ذمی عادت کرده باشد بعد از ردّ مقدار اضافی دیه او، قصاص می‌شود و یا کشته
می‌شود (حد قتل بر آنها جاری می‌شود) به جهت افساد در زمین، فایده‌اش آنجا ظاهر می‌شود که مطابق قول اول اجرای
قصاص موکول به مطالبه ولی دم می‌باشد و در صورت عفو ولی قصاص ساقط می‌شود.

۸- گزینه ۱ صحیح است. مباحث حقوقی شرح لمعه، ص ۵۰۷ کتاب الحدود
ترجمه عبارت: کسی که به خاطر تشنگی زیاد یا گیر کردن لقمه در گلویش مجبور به نوشیدن خمر گردد به طوری که اگر
آن را نخورد، خوف تلف شدنش وجود دارد حدّ نمی‌خورد.

۹- گزینه ۳ صحیح است. مباحث حقوقی شرح لمعه، ص ۲۵۹ کتاب الوصایا
ترجمه عبارت: اگر از وصی ناتوانی در عمل به وصیت ظاهر گردد حاکم فردی را در جهت کمک به او قرار می‌دهد زیرا او در
اثر ناتوانی از استقلال در تصرف که مانع از ولایت حاکم باشد خارج شده است و از طرفی با توجه به این‌که از مباشرت در
تصرف به‌طور کلی عاجز نیست از وصایت به‌طور کامل خارج نشده است به طوری که حاکم مستقل باشد. لذا حاکم با ضمیمه
کردن فرد دیگری بین این دو (عدم استقلال کامل و وجود استقلال ناقص) جمع می‌بندد.



- ۱۰- گزینه ۳ صحیح است. مباحث حقوقی شرح لمعه، ص ۴۲۸ کتاب المیراث
ترجمه عبارت: ترکه مرتد فطری بین وراث تقسیم می‌شود و او کسی است که در زمان انعقاد نطفه یکی از پدر و مادر او مسلمان بوده باشد.
- ۱۱- گزینه ۱ صحیح است. مباحث حقوقی شرح لمعه، ص ۴۳۲ کتاب المیراث
ترجمه عبارت: وراث طبقه اول عبارتند از: پدر و مادر و و اولاد شخص متوفی.
- ۱۲- گزینه ۱ صحیح است. مباحث حقوقی شرح لمعه، ص ۲۶۱ کتاب الوصایا
ترجمه عبارت: اگر وصی بعد از مرگ موصی از وصیت آگاه شود، لازم است به وصیت عمل کند اگر چه قبل از آن وصیت را قبول نکرده باشد مگر این‌که از انجام وصیت ناتوان باشد که در این صورت وصیت صرفاً نسبت به آن مقداری که وصی ناتوان از اجرای آن می‌باشد ساقط می‌شود به‌خاطر لزوم حرج.
- ۱۳- گزینه ۲ صحیح است. مباحث حقوقی شرح لمعه، ص ۳۱۵ کتاب النکاح
ترجمه عبارت: قنطار در لغت مال فراوان را گویند و فهمیده می‌شود که مهریه از جهت کمی و زیادی مقدار مشخصی ندارد البته نباید به اندازه‌ای کم باشد که هیچ ارزشی نداشته باشد.
- ۱۴- گزینه ۱ صحیح است. مباحث حقوقی شرح لمعه، ص ۳۲۴ کتاب النکاح
ترجمه عبارت: اگر در اختلاف زوجین در وقوع نزدیکی زن مدعی وقوع نزدیکی و شوهر منکر آن باشد در صورتی که خلوت کامل تحقق یافته باشد قول زن مقدم است زیرا ظاهر حال مرد صحیح و سالم هنگامی که با همسر خود خلوت می‌کند این است که با وی نزدیکی نماید.
- ۱۵- گزینه ۲ صحیح است. مباحث حقوقی شرح لمعه، ص ۳۰۶ کتاب النکاح
ترجمه عبارت: در عقد موقت میان زن و شوهر توارث برقرار نیست، مگر این‌که این امر در ضمن عقد شرط گردد؛ در این صورت مطابق آن‌چه که شرط شده است توارث ثابت می‌شود. اما انتفای توارث بدون شرط، به‌خاطر اصل عدم توارث است.
- ۱۶- گزینه ۴ صحیح است. مباحث حقوقی، شرح لمعه، ص ۳۵۶ کتاب الطلاق
ترجمه عبارت: (در طلاق بهتر است که با رعایت شرایط صحت مرد، زن را مطلقه نماید و آن‌گاه زن را ترک کند تا عده‌اش منقضی گردد و سپس در صورت تمایل با او ازدواج کند). این نوع طلاق سنی به معنی اخص است و بر افضل بودن این طلاق روایات فراوانی دلالت دارد.
- ۱۷- گزینه ۴ صحیح است. مباحث حقوقی شرح لمعه، ص ۲۸۶ کتاب النکاح
ترجمه عبارت: جمع بین عمه و یا خاله با دختر برادر و دختر خواهر ایشان تنها با رضایت عمه و خاله جایز است.
- ۱۸- گزینه ۱ صحیح است. مباحث حقوقی شرح لمعه، ص ۶۵ کتاب المتاجر
ترجمه عبارت: بیع آن‌چه که به وسیله آزمایش مشتری از بین می‌رود مانند خربزه، گردو و تخم‌مرغ جایز است اگر پس از شکستن آن فاسد در آید مشتری برای گرفتن ارزش حق رجوع به فروشنده را دارد. و در این صورت حق ردّ برای او نیست چنان‌چه کالای شکسته قیمت داشته باشد. اما اگر کالای شکسته قیمت نداشته باشد مشتری می‌تواند برای همه قیمت به بائع رجوع کند.
- ۱۹- گزینه ۳ صحیح است. مباحث حقوقی شرح لمعه، ص ۲۱۳، کتاب الوکاله
ترجمه عبارت: اگر در وکالت عوض مجهولی شرط کند و بگوید: فلان کالا را بفروش به شرط آن‌که یک دهم ثمن آن برای خودت باشد وکالت باطل است چون‌که شرط فاسد و مبطل عقد است.
- ۲۰- گزینه ۱ صحیح است. مباحث حقوقی شرح لمعه، ص ۱۰۴ کتاب المتاجر
ترجمه عبارت: اگر یکی از طرفین عقد را فسخ و دیگری اجازه کند و خیار نیز مشترک باشد حق فسخ کننده مقدم است زیرا هدف از بودن خیار قدرت بر فسخ عقد است در حالی‌که اجازه چنین نیست.



۲۱- گزینه ۳ صحیح است. مباحث حقوقی شرح لمعه، ص ۱۰۴ کتاب المتاجر
ترجمه عبارت: اشتراط خيار فقط برای ثالث جایز است. فرار دادن شرط خيار برای بیگانه تحکیم است و با وجود خيار شخص بیگانه، خود آن شخص خيار ندارد.

۲۲- گزینه ۴ صحیح است. مباحث حقوقی شرح لمعه، ص ۶۷ کتاب المتاجر
ترجمه عبارت: فروختن کرم ابریشم اگرچه کرم در آن باشد صحیح است. زیرا مقصود از بیع کرم نیست تا مشمول ادله نهی از بیع میته شود و مجرد در معرض فساد قرار گرفتن مانع جواز بیع نیست.

۲۳- گزینه ۴ صحیح است. مباحث حقوقی شرح لمعه، ص ۱۱۶ کتاب المتاجر
ترجمه عبارت: باید توجه کرد که بیع از جهت فوری بودن و مدت دار بودن ثمن و مضمن یا یکی از آن دو چهار قسم است: اول نقد، دوم نسیه، سوم سلم و چهارم کالی به کالی.

۲۴- گزینه ۲ صحیح است. مباحث حقوقی شرح لمعه، ص ۱۶۶ کتاب الصلح
ترجمه عبارت: اگر یک شخص دو درهم و نفر دیگر یک درهم نزد کسی ودیعه بسپارد و درهم‌ها بدون این‌که تقصیری در بین باشد باهم مخلوط شوند و آن‌گاه یکی از آنها تلف شود، «فانه یختص ذوالدرهمین بواحد، و یقسم الآخر بینهما». (به صاحب دو درهم یک درهم می‌رسد و درهم دیگر میان آن دو مساوی تقسیم می‌شود).

۲۵- گزینه ۲ صحیح است. مباحث حقوقی شرح لمعه، ص ۱۱۶ کتاب المتاجر
ترجمه عبارت: اگر بایع برای بیع نقدی یک ثمن و برای مدت‌دار بودن آن ثمن دیگر قرار دهد یا بین دو مدت از حیث ثمن تفاوت قرار دهد و بگوید: آن را به تو نقدی در برابر یک‌صد درهم و تا دو ماه به دویست درهم فروختم یا بگوید تا یک ماه به صد درهم و تا دو ماه به دویست درهم فروختم، بیع باطل است.

۲۶- گزینه ۳ صحیح است. مباحث حقوقی شرح لمعه، ص ۱۱۸ کتاب المتاجر
 در فصل دهم کتاب المتاجر شرح لمعه یکی از احکام عقد بیع قبض می‌باشد.

۲۷- گزینه ۳ صحیح است. مباحث حقوقی شرح لمعه، ص ۲۴، کتاب القضاء
ترجمه عبارت: هرگاه شریک درخواست تقسیم نماید. طرف دیگر ملزم به تقسیم مال مشترک می‌شود مشروط بر این‌که دیگری از تقسیم متضرر نشود و تقسیم موجب رد مال غیر از مال مشترک به عنوان عوض نگردد که در این صورت اجبار نمی‌شود (ولا ضرر و لو تصنّنت ردّاً لم یجبر)

۲۸- گزینه ۴ صحیح است. مباحث حقوقی شرح لمعه، ص ۷۴ کتاب المتاجر
عربی عبارت: و يجوز ابتیاع جزء مشاع من الحيوان كالنصف و الثلث و لا معین كالرأس و الجلد.

۲۹- گزینه ۴ صحیح است. مباحث حقوقی شرح لمعه، ص ۵۴۸ کتاب القصاص
عربی عبارت: و اللوث اماره یظن بها صدق المدعی.

۳۰- گزینه ۱ صحیح است. مباحث حقوقی شرح لمعه، ص ۴۸۲ کتاب الحدود
عربی عبارت: الاحصان اصابه البالغ العاقل الحر فرجا ای قبلاً مملوفاً له بالعقد الدائم، أو الرق متمكناً بعد ذلك منه بحيث یغدو علیه و یروح ای یتمکن منه اول النهار و آخره. (احصان عبارت است از برخورداری مرد بالغ و عاقل و آزاد از فرج زنی که به واسطه عقد دائم یا رقیت در ملک او باشد به طوری که از صبح تا شام در اختیار او باشد).